

## « بسمه تعالی »

### اصطلاحات دین و زندگی ۳ ( پایه دوازدهم تجربی - ریاضی )

۱- **پدیده**: چیزی که وجودش از خودش نباشد و برای موجود شدن نیازمند به پدید آورنده ای باشد که خودش پدیده نباشد، و وجودش از خودش باشد.

۲- **نور بودن خداوند**: یعنی تمام موجودات وجود خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می شوند.

۳- **توحید**: به معنای اعتقاد به خدای یگانه است؛ یعنی خداوند بی همناست و شریکی ندارد و این بیانگر اصل توحید است.

۴- **توحید در خالقیت**: توحید در خالقیت عبارت از این است که معتقد باشیم خداوند تنها مبدأ و خالق جهان است؛ موجودات همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.

۵- **توحید در مالکیت**: از آنجا که خداوند تنها خالق جهان است پس تنها مالک آن نیز هست؛ زیرا هر کس که چیزی را پدید می آورد، مالک آن نیز است.

۶- **توحید در ولایت**: هر کس مالک چیزی باشد حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد، اما دیگران بدون اجازه وی نمی توانند در آن تصرف یا از آن استفاده کنند. به این حق تصرف، ولایت و سرپرستی می گویند. از آنجا که خداوند، تنها مالک جهان است تنها ولی و سرپرست جهان نیز هست و مخلوقات، جز به اجازه او نمی توانند در جهان تصرف کنند. چنین اجازه ای به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست بلکه بدین معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجری ولایت خود قرار داده است.

۷- **رب**: رب به معنای مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوقات به دست اوست.

۸- **توحید در ربوبیت**: از آنجا که خداوند تنها خالق، مالک و ولی جهان است، تنها رب هستی نیز می باشد. اوست که جهان را اداره می کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین فرموده است هدایت می نماید و به پیش می برد.

۹- **شرک**: به معنای شریک قراردادن برای خداوند است.

۱۰- **مشرک**: هر کس معتقد باشد خداوند شریک دارد مشرک به حساب می آید.

۱۱- **شرک در خالقیت**: اگر کسی معتقد باشد که این جهان را چند خالق آفریده اند، گرفتار شرک در خالقیت شده است.

۱۲- **شرک در مالکیت**: عبارت است از اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک بخشی از جهان هستند. اگر کسی معتقد شرک در خالقیت باشد، معتقد به شرک در مالکیت نیز خواهد بود.

۱۳- **شرک در ولایت**: عبارت است از اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می باشند.

۱۴- **شرک در ربوبیت** : عبارت است از اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و درکنار او، دیگرانی نیز هستند که تدبیر امور موجودات را برعهده دارند. اگر کسی درکنار ربوبیت الهی برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه ای باز کند و گمان کند که کسی می تواند مستقل از خداوند امور را تدبیر کند گرفتار شرک در ربوبیت شده است.

۱۵- **زندگی توحیدی**: شیوه ای از زندگی است که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد.

۱۶- **انسان موحد (توحید عملی در بعد فردی)**: هر کس در زندگی خود از فرمان های خدا اطاعت کند ، گام در مسیر توحید عملی گذاشته است چنین فردی می کوشد، تمایلات درونی و تصمیم ها و فعالیت های خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار دهد . مثلا درانتخاب همسر ، شغل، دوست، چگونگی تحصیل، تفریح، ورزش، و حتی درانتخاب نوع پوشش و به طور کلی در تمام برنامه های روزانه خود خدا را در نظر می گیرد و تلاش می کند از دایره فرمان های او خارج نشود.

۱۷- **انسان مشرک (شرک عملی در بعد فردی)** : اگر کسی دل به هوای نفس (بت درون) سپرده و او را معبود خود قرار دهد و اوامرش را به فرمان های خداوند ترجیح دهد یا درکسب رضایت قدرت های مادی و طاغوت ها ( بت های بیرون) برآید، گرفتار شرک عملی شده است.

۱۸- **توحید عملی در بعد اجتماعی** : بعد اجتماعی توحید به معنای قرار گرفتن همه نهادها و ارکان یک جامعه یا نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست.

۱۹- **شرک عملی در بعد اجتماعی**: اگر قرار باشد همه فقط خواسته ها و تمایلات دنیوی خود را دنبال کنند و تنها منافع خود را محور فعالیت اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند. دچار شرک اجتماعی شده است .

۲۰- **انسان عصر حاضر** : منظور ما از انسان عصر حاضر تمام افراد جامعه نیست ، بلکه جوّ غالب جوامع و جوّ حاکم بر اکثریت افراد است نه تک تک افراد .

۲۱- **معنی لغوی اخلاص**: خالص کردن و پان کردن یک چیز از غیر آن است.

۲۲- **اخلاص در کار برد دینی**: اخلاص در کاربرد دینی بدین معناست که شخص عملش را فقط برای رضای خدا و همان گونه که او دستور داده است انجام دهد.

۲۳- **حُسن فاعلی**: حسن فاعلی بدین معناست که انجام دهنده کار ، دارای معرفت درست و نیت الهی باشد.

۲۴- **حُسن فعلی** : حسن فعلی بدین معناست که کار به درستی و به همان صورت که خداوند فرمان داده است انجام شود.

۲۵- **حکمت** : حکمت به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می دهد و مانع لغزش و تباهی می شود.

۲۶- **انسان مُخْلِص** : کسی است که در مسیر قرب الهی قرار دارد. ( انسانی که مراتب اولیه اخلاص را طی کرده و در حال خالص کردن خود برای خداوند است .)

۲۷- **انسان مُخْلِص** : کسی است که به مقام قرب الهی رسیده و خداوند او را برای خود برگزیده و شیطان توانا یی فریب او را ندارد. ( انسانی که از مراتب اولیه اخلاص گذشته و خداوند او را برای خود خالص برگزیده است .)

**۲۸- اختیار:** اختیار به معنای توانایی بر انجام یک کار یا ترک آن است. (حقیقتی وجدانی و مشهود است که انسان به وسیله آن در شبانه روز در حال تصمیم گیری می باشد ) .

**۲۹- قَدَر و قَدَر:** به معنای اندازه است.

**۳۰- تقدیر:** تقدیر به معنای اندازه گرفتن است.

**۳۱- قضا:** به معنای به انجام رساندن ، پا یان دادن ، حکم کردن و حتمیت بخشیدن است.

**۳۲- تقدیر الهی :** مخلوقات جهان از آن جهت که خدای متعال با علم و حکمت خود ، اندازه ، حدود ، ویژگی ، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند مقدر به تقدیر الهی هستند .

**۳۳- قضای الهی :** مخلوقات جهان از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می شوند به قضای الهی وابسته اند .

**۳۴- معنای قدر و قضای الهی:** معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان بر آن قواعد بنا شده است و این قواعد ، توسط انسان قابل یا فتن و بهره گیری است.

**۳۵- حاکمیت قدر و قضای الهی بر جهان :** این که می گوئیم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه کاری ها و ویژگی ها و فانون ها یش از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداوند است (قضا) به همین دلیل نه در نقشه جهان نقصی هست (قدر) نه در اجرا و پیاده کردن آن (قضا) .

**۳۶- علل عرضی:** در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند، مثلاً برای رویش یک گل ، مجموعه ای از باغبان، خاک ، آب، نورو حرارت دست به دست می دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می آورند. یا مثلاً وقتی دو نفر دسته های یک گلدان بزرگ را می گیرند و جا به جا می کنند، هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می کنند ، که باعث جا به جایی گلدان می شود. در هر دو مثال هریک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را مستقل از دیگری اعمال می کند تا گل بروید یا گلدان جابجا شود. این گونه علل را علل عرضی می نامند.

(تأثیرگذاری مجموعه ای از عوامل در یک رتبه و در عرض هم با همکاری و مشارکت یکدیگر با اثر مستقل و نقش متفاوت از هم در به وجود آمدن یک پدیده را علل عرضی می گویند.)

**۳۷- علل طولی :** گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. (یعنی هر علتی علت بودن خود را از علت بالاتر از خودش می گیرد ، مانند نوشتن ..... که در یک ردیف نبوده و مستقل نیستند)

(تأثیرگذاری عوامل مقدم بر عوامل مؤخر (علت اول بر علت دوم) و با واسطه به شکل سلسله ای از علت ها و رساندن اثر علت اول به معلول در به وجود آمدن یک پدیده را علل طولی می نامند.)

**۳۸- سنت های الهی :** بر اساس تقدیر الهی ، جهان خلقت قا نونمند است و پدیده های آن در دایره قوانین خاصی مسیر تکاملی خود را می پیمایند این قا نونمندی اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم در بر می گیرد. قرآن کریم از این قوانین باعنوان سنت های الهی یاد کرده است و مردم را به شناخت آن ها به خصوص سنت های مربوط به زندگی انسان دعوت کرده است.

۳۹- معنی لغوی ابتلا: ابتلا در لغت به معنای امتحان است.

۴۰- معنای اصطلاحی ابتلا: ابتلا در اصطلاح دینی به معنای قرار دادن فرد در شرایط و موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آنچه را ادعا کرده مشخص سازد.

۴۱- سنت ابتلا: عام ترین و فراگیرترین قانون خدا است که ثابت و همیشگی است و شامل همه انسان ها در همه زمان ها می شود.

۴۲- سنت امداد عام الهی: وقتی انبیا مردم را به دین الهی فرا می خوانند مردم در برابر دعوت دو دسته می شوند: دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند. خداوند، سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس، هر کدام از این دو راه را برگزیند، بتواند از همین امکاناتی که خداوند در اختیارش قرار داده (مانند قدرت اراده، توان جسمی و فکری، امکانات موجود در جهان خلقت) استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است به پیش رود و باطن خود را آشکار کند. در واقع پیروان حق امکانات و لوازم رسیدن به خواسته ها و امکانات رسیدن به حق را می یابند و مراتب کمال را می پیمایند و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می کند همان را به دست می آورد.

۴۳- امداد خاص (توفیق الهی): در اصطلاح دینی، توفیق به معنای آسان نمودن است. یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که بتواند آسان تر به مقصد برسد این امداد خاص خداوند شامل حال کسانی می شود که با نیت پاک، قدم در راه حق می گذارند و سعادت اخروی و رضایت پروردگار را هدف خود قرار می دهند.

۴۴- سنت سبقت رحمت الهی بر غضب الهی: از آنجا که خداوند به بندگان خود محبت دارد با همه آنان چه نیکوکار و چه گناهکار به لطف و مهربانی رفتار می کند او به بندگان خود اعلام می کند که پروردگا شما، رحمت را بر خود واجب کرده است.

۴۵- سنت املاء و استدراج: خداوند برای انسانی که به دام گناه می افتد، شرایطی را فراهم می کند که بتواند توبه کند و از گناه دوری نماید. حتی اگر بارها گناه کرده و توبه نموده، باز هم خداوند از گناه او می گذرد. اما اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آنها فرصتی می دهد و بر امکانات و نعمت های آنان می افزاید و آن ها این فرصت ها و نعمت ها را وسیله غوطه ور شدن در گناهان قرار می دهند به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دلشان بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار می شوند؛ درحقیقت مهلت ها و نعمت ها، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای آسمانی جلوه گر شده و باعث می شود بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین تر شود و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک تر شود، این سنت که از جمله سنت های حاکم بر زندگی معاندان و غرق شدگان در گناه است سنت املاء و استدراج نام دارد.

۴۶- سنت تاثیر اعمال بر سرنوشت: رهنمودهای قرآن کریم و پیشوایان دین بیانگر آن است که آینده زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می دهد، در موارد بسیاری تحت تاثیر رفتارها ی گذشته او، اعم از رفتارهای خوب و بد است.

۴۷- توبه: (تصمیم های جدید) همواره برای تکمیل پیمان های قبلی و پیمودن ادامه راه نیست، بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیان باری بر جا گذاشته است این تصمیم ها توبه نام دارد.

**۴۸- انقلاب علیه خود:** پیروی از عقل ، علیه تمایلات ناپسند خود و قیام و انقلاب کردن است. ( توانایی انسان برای انقلاب علیه موانع درونی و بیرونی ).

**۴۹- توبه از لحاظ لغوی :** توبه در لغت به معنای بازگشت است.

**۵۰- توبه انسان (توبه فردی):** بازگشت از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران است.

**۵۱-توبه خداوند:** با بازگشت بنده گناهکار، خداوند نیز به سوی او باز می گردد و درهای رحمتش را به سویش می گشاید و آرامش را به قلب او باز می گرداند.

**۵۲-پیرایش یا تخلیه:**گناه الودگی است و توبه ، پاک شدن از آلودگی هاست.توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شستشومی دهد . به همین جهت این عمل را پیرایش یا تخلیه نیز می گویند.

**۵۳-تسویف:** تسویف از ریشه (سَوف) و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است.به عبارت دیگر فرد گناهکار دائماً به خود می گوید به زودی توبه می کنم و این گفته را آن قدر تکرار می کند ، تا اینکه دیگر میل به توبه در او خاموش می شود.

**۵۴- توبه اجتماعی:** اگر جامعه در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت خداوند خارج شود ، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح، یعنی نیازمند توبه اجتماعی است.

**۵۵- فرهنگ :** روح حاکم بر جامعه و نشان دهنده هویت و شخصیت آن است.

**۵۶- استعمار نو:** (آباد کردن ) با بیداری ملت ها در اواخر قرن ۱۹ دولت های غربی از استعمار علنی کشورهای تحت سلطه دست برداشتند و حاکمان و نظامیان خود را خارج کرده و شیوه دیگری برای تسلط بر این کشورها در پیش گرفتند که استعمار نو نام گرفت .

تهیه و تنظیم : عالمه محمدی